

نگرش اصلاحی به قانون صدور چک

ما شاء الله شیبانی

قاضی دادگستری مشهد



یکی از معضلات مهم امروزه در جامعه ما مُعضل «چک» و «چک بلامحل» است. موضوعی که فکر میلیون‌ها نفر از افراد جامعه ما را به خود مشغول نموده و وقت بسیاری از مسؤولان قضایی، انتظامی، بانکی و اجرایی جامعه صرف آن می‌شود.

امروز هزاران زندانی در پشت میله‌های زندان خود را قربانی این پدیده نابسامان اجتماعی می‌دانند.

ده‌ها هزار نفر با در دست داشتن چکهای متعدد در دادگستریها و کلانتریها گرفتارند. ۳۰ الی ۴۰ درصد شکوائیه‌ها و پرونده‌های مطروحه در دادگاهها، مربوط به چک بلامحل است. بیش از یک سوم وقت کلانتریها و پاسگاهها صرف کار تحقیق و تعقیب صادرکنندگان چک بلامحل می‌گردد و میلیون‌ها رأی غیابی اجرا نشده در دوایر اجرای احکام همچنان خاک می‌خورد.

در دو سال اخیر قوای سه‌گانه مملکت توجه بیشتری به این موضوع مبذول داشته‌اند. در مطبوعات مقالات متعددی منتشر گردیده و موضوع در مجلس شورای اسلامی و در

نزد مقامات بالای دستگاه قضایی و بخصوص ریاست محترم قوه قضائیه اهمیت پیدا کرده است. نویسنده این سطور بیش از ۳۰ سال است که همه روزه به نحوی با قانون صدور چک، صادرکننده و دارنده چک و آرای صادره در این خصوص سروکار داشته و دارم از این، و اینکه که قضیه چک در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌باشد لازم می‌بینم نکاتی را در این خصوص بنویسم، به امید اینکه شاید مورد توجه و استفاده تصمیم‌گیرندگان راجع به سرنوشت چک قرارگیرد.

۱ ماده ۳ قانون صدور چک می‌گوید: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد...»

و ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک را چنین تعریف کرده است: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.»

اکنون با بررسی موضوع به این سؤال پاسخ می‌دهیم که آیا نحوه استفاده از چک در حال حاضر با ماده ۳ قانون صدور چک و تعریف مذکور در قانون تجارت تطبیق می‌نماید؟

مطمئناً پاسخ به این سؤال منفی است. معمولاً عده کمی از افراد جامعه (حقوق‌بگیران در آخر هر ماه و یا بعضی تجار و بازاریان) از چک به عنوان واقعی آن استفاده می‌کنند یعنی چک را به تاریخ روز صادر می‌کنند. اما متأسفانه اکثر چکهایی که در سطح جامعه رد و بدل می‌شود مدت‌دار است و چک مدت‌دار هیچ‌گونه انطباقی با قانون صدور چک و قانون تجارت ندارد. در واقع همین چک مدت‌دار است که بحرانهایی را در جامعه سبب شده و فکر همه را به خود مشغول نموده است. با این وصف آیا زمان آن نرسیده است که بررسی و مطالعه کنیم و طرحی نو بریزیم که چک مدت‌دار را به طریقی حذف کنیم؟

آیا بهتر نیست که شیوه واگذاری دسته چک را به نحوی طراحی کنیم که صادرکننده

امکان صدور چنین چکی را نداشته باشد؟

حسب ماده ۳ قانون صدور چک، صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل وجه چک در بانک پول داشته باشد، چنانچه واقعاً ما می‌خواهیم این ماده قانونی جامه عمل به خود بپوشد و اجرا شود ضرورتی به دادن دسته چک آن هم به سبک امروز به افراد وجود ندارد. بلکه وقتی صاحب حساب پولی در حسابش داشته باشد بانک می‌تواند معادل آن اسناد معتبر و تضمین شده در اختیار وی بگذارد تا به جای چک از آن استفاده کند. با این ترتیب هم، مطابق با ماده ۳ قانون صدور چک عمل شده است و هم امکان سوءاستفاده و صدور چک مدت‌دار از بین می‌رود.

یکی از اصول قانونگذاری این است که قانون برخلاف عرف و عادت افراد جامعه وضع نشود. قانونی که مخالف عرف جامعه تصویب شود همواره در مقام اجرا با عکس‌العمل جامعه روبه‌رو می‌شود و مردم در مقابل آن ایستادگی نموده و راههای فرار از اجرای آن را پیدا می‌نمایند.

تصویب‌کنندگان قانون اصلاحی سال ۱۳۷۲ خوب می‌دانسته‌اند که حدود ۸۰ درصد چکهایی که در بین مردم صادر می‌شود مدت‌دار است. اما مع‌الوصف در ماده ۳ صادرکننده را مکلف نموده‌اند که در زمان صدور، معادل وجه چک در حسابش موجود داشته باشد و طبق ماده ۱۳ قانون صدور چک برای صادرکننده چک مدت‌دار مجازات تعیین نموده‌اند. اما همه می‌دانیم که وضع این ماده مؤثر واقع نشده و همان‌طور که گفته شد اکثر چکهایی که صادر می‌شود مدت‌دار یا بدون تاریخ است.

نتیجه بحث اینکه اگر قانونگذار واقعاً هدفش صدور چک وفق ماده ۳ قانون صدور چک می‌باشد ضرورتی به دادن دسته چک به روش فعلی به افراد نیست. بلکه می‌توان معادل وجوهی که در حساب موجود می‌باشد اسناد مخصوصی که به این منظور طراحی می‌شود در اختیار مشتری قرارداد.

۲- علت اعتماد مردم به چک، ضمانت اجرای کیفری آن می‌باشد. وصف کیفری باعث می‌شود که افراد در مورد اعتبار صادرکننده چک تحقیق لازم را انجام ندهند و با این امید که می‌توانند صادرکننده را زندانی نمایند، پول و سرمایه خود را به خطر

می‌اندازند اما در عمل و در اکثر موارد وصف کیفری موجب پرداخت وجه چک نمی‌گردد. چرا که صادرکننده چک بلامحل معمولاً یکی از دو موقعیت زیر را دارد. ۱) دارایی و اموال او برای پرداخت وجه چک کفایت می‌نماید. ۲) اموالی که بتواند با فروش آن، وجه چک را پرداخت کند، ندارد.

معمولاً کسانی متواری می‌شوند و یا به زندان می‌روند که مشمول بند دوم باشند و واضح است که زندان هم مشکلی را برای دارنده چک حل نمی‌کند و فقط بودجه‌ای بر خزانه تحمیل می‌شود و برای خانواده زندانی نیز مشکلات فراوانی ایجاد می‌نماید.

علی‌هذا اینک که سالها وصف کیفری چک را تجربه نموده‌ایم و در عمل ثابت شده است که جرمه و زندان تأثیر قطعی در جلوگیری از وقوع جرم نداشته و هر روز بر تعداد چکهای بلامحل موجود در اجتماع اضافه می‌گردد، از طرفی وصف کیفری چک و زندانی شدن صادرکننده نیز مؤثر در استیفای حقوق دارنده چک نمی‌باشد لذا به نظر می‌رسد حل موضوع نیاز به تصمیم شجاعانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی دارد که وصف کیفری چک را حذف کنند و دارنده چک مانند سایر اسناد تجاری بتواند از طریق اجرای ثبت و یا مراجعه به دادگاه و تقدیم دادخواست نسبت به استیفای حقوق خود اقدام کند. بدیهی است چنانچه صادرکننده چک اموالی داشته باشد وصول وجه چک میسر خواهد بود. چنانچه این روش عملی شود، مردم هم تکلیف خود را با چک روشن خواهند کرد. با این توضیح که افراد چک را فقط از کسانی قبول خواهند کرد که اعتماد و اطمینان لازم را به صادرکننده داشته باشد.

ممکن است در کوتاه‌مدت معاملات دچار رکود گردد. اما طولی نخواهد کشید که افراد جامعه خود را با قانون جدید وفق خواهند داد و معاملات جنبه نقدی پیدا خواهد کرد. با تحقق این امر، تحقیق و بررسی و مطالعه و اعتماد و اطمینان جایگزین چکهای بلامحل امروز خواهد گردید.

۳- رؤسا و مسؤولان بانکها با حذف وصف کیفری چک ظاهراً مخالفت می‌نمایند. یکی از علل مهم این امر از دست دادن موقعیت آنان و در حقیقت سلب قدرت و مانور از

رؤسای بانکهاست. چرا که تسلیم دسته چک به افراد موجب جلب مشتری می شود و علی القاعده اگر مسؤول بانکی در افتتاح حساب دقت لازم به عمل نیاورد و یا با سهولت بیشتری به افراد دسته چک بدهد، منافع متعددی تحصیل خواهد نمود.

متأسفانه بعضی از رؤسای بانکها در افتتاح حساب جاری دقت لازم را به عمل نمی آورند و با اینکه بعضی بانکها برای بعضی افراد سختگیری لازم را انجام می دهند اما موارد بسیاری دیده شده است که مسؤولان شعب به حد وفور به افراد فاقد صلاحیت دسته چک تسلیم می دارند.

به عنوان نمونه یکی از بانکها برای یک نفر که در زندان به سر می برده است و حسب استعلام دادگاه از زندان هم خارج نگردیده و به بانک هم نرفته است و اوراق افتتاح حساب هم نزد او ارسال نشده است، حساب جاری افتتاح کرده است. در قضیه دیگر یکی از بانکها با فتوکپی یک شناسنامه جعلی چندین حساب افتتاح نموده و چندین دسته چک تسلیم کرده است. با این وصف آیا باید به روش فعلی ادامه داد؟

در حال حاضر تنها برنده قضیه بانک است. زیرا با افتتاح حساب و تسلیم دسته چک، بر مشتریان بانک اضافه شده و وجوهی در اختیار بانک قرار می گیرد. حال اگر دارنده حساب، وضع مالی خوبی داشته باشد بانک استفاده بیشتری می برد و در فرض اینکه چکهای صاحب حساب فاقد محل باشد این امر برای بانک ضرری به همراه نخواهد داشت. فقط با صرف اندکی وقت (اگر با دقت عمل شود) گواهی عدم پرداخت صادر می کند و لاغیر. به هر حال اینک که طرح اصلاح قانون صدور چک در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است از نمایندگان محترم و بخصوص کمیسیون امور قضایی تقاضا می شود مطالب زیر را مورد مذاقه و توجه قرار دهند.

الف) متأسفانه در سالهای اخیر سبک تنظیم مواد قانونی توأم با اشکال بوده است. همه می دانیم که قانون باید سلیس و روان و جامع و مانع باشد. تمام قضات و حقوقدانان اذعان دارند که برای ۳۸ ماده قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب صدها سؤال به اداره حقوقی قوه قضائیه ارسال گردیده است و پاسخهای اداره حقوقی به سؤالات

مطروحه در مورد ۳۸ ماده فوق‌الذکر کتابی است با حدود ۴۰۰ صفحه قطع وزیری! در مورد قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب سال ۷۲ هنوز بعضی از مواد قانون بین قضات بحث می‌شود و اختلاف نظر وجود دارد. لذا به عنوان یک امر بسیار مهم لازم است که در تصویب مواد قانونی همه جوانب کار در نظر گرفته شود و قانون به نحوی انشاء گردد که آشکارا مبین اراده قانونگذار باشد.

ب) چنانچه پیشنهاد حذف وصف کیفری چک مورد تأیید قرار نگیرد و نظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر تعقیب و مجازات صادرکننده چک بلامحل باشد. نکات زیر قابل توجه است.

۱- در طرح پیشنهادی به جرایمی مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت اشاره شده است. در حال حاضر که چک بلامحل قابل گذشت است و با رضایت شاکی پرونده امر بسته می‌شود، انبوهی زندانی داریم. حال اگر بخواهیم به جرایم مربوط به چک بلامحل جنبه خیانت در امانت یا کلاهبرداری هم بدهیم دهها زندان همچون زندان قصر تهران و وکیل آباد مشهد باید ساخته شود تا کفاف نگهداری زندانیها را بدهد.

۲- حسب اطلاع ممکن است ماده ۱۳ قانون صدور چک (چکهای مدت‌دار، سفید امضاء...) فاقد وصف کیفری اعلام شود. در این صورت قانونگذار باید مرز بین چکهای قابل تعقیب و چکهای مدت‌دار را مشخص نماید. قبل از سال ۱۳۷۲ که چکهای مدت‌دار فاقد وصف کیفری بود. رسیدگی به ادعای صادرکننده دایر به اینکه چک مدت‌دار و یا فاقد تاریخ بوده است بیشتر وقت دادسرا و دادگاههایی را به خود اختصاص می‌داد. اینک لازم است ضابطه مشخصی برای تعیین چک قابل تعقیب از چک مدت‌دار (یا چکهایی که فاقد وصف کیفری اعلام شود) تعیین گردد. پیشنهاد می‌شود این جمله یا نظیر آن در قانون آورده شود. (اصل تاریخ مندرج در متن چک است مگر اینکه مدت‌دا بودن چک به موجب اسناد دیگری برای دادگاه محرز گردد).

طرفداران وصف کیفری چک عقیده دارند که برای جلوگیری از صدور چک بلامحل قانونگذار باید سختگیری بیشتری اعمال نماید و با توجه به اینکه بیشتر چکهای

بلامحل، مدت دار می باشد این چکها هم همانند چک موضوع مواد ۳ و ۷ قانون صدور چک (چک روز) قابل مجازات باشد.

۳- یکی از دلایلی که موجب متواری شدن صادرکننده چک بلا محل می گردد. صدور قرار وجه الضمان و یا ضمانتنامه بانکی است. به نظر می رسد در صورتی که اخذ تأمین در مورد چک مانند سایر جرایم در اختیار قاضی باشد و دادگاه بتواند تا پایان رسیدگی و صدور حکم متهم را با اخذ کفیل و یا وثیقه آزاد نماید، امکان تحصیل رضایت شاکی برای صادرکننده چک بیشتر خواهد بود. از این رو پیشنهاد می شود الزامی بودن قرار وجه الضمان حذف گردد. یکی از اشکالات وضع قانون عدم توجه قانونگذار به قوانینی است که قبلاً وضع شده است. لذا مصراً از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تقاضا می شود قانون را به نحوی انشاء نمایند که اولاً مواد متضاد در خود قانون نباشد ثانیاً حتی الامکان قانون صدور چک فعلی را کلاً نسخ و کلیه مواد قانون صدور چک مجدداً تنظیم و تصویب گردد.

۴- در وضع قانون، مقرراتی که در مورد چک و در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است در نظر گرفته شود. همچنین توجه به مواد ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی (خسارات) ضروری است.

۵- برای سهولت اجرای قانون، لازم است. کمیسیون امور قضایی از چند نفر از قضات که اینک عملاً در محاکم اشتغال به کار دارند، دعوت نماید. تا در مورد موادی که نهایتاً مورد تصویب کمیسیون قرار خواهد گرفت نظریه خود را اعلام دارند. بدیهی است با این اقدام اشکالاتی که در مورد قانون صدور چک فعلی از سوی قضات مطرح گردیده است مورد لحاظ قرار خواهد گرفت.

۶- از سال ۱۳۵۵ که قانون صدور چک تصویب گردیده و همچنین بعد از اصلاح قانون در سال ۱۳۷۲ سؤالات زیادی از سوی قضات سراسر کشور از اداره حقوقی قوه قضائیه به عمل آمده است مطمئناً مطالعه این سؤالات، کمیسیون امور قضایی را در رفع اشکالات موجود و رعایت آن در قانون جدید کمک خواهد نمود.